

دفترانه

هم کلاسی

معجری
نترس، وابستا، کجا می‌ری؟ کارت دارم. آخه از چی می‌ترسی؟ از تنهایی؟ از تنهایی نترس. گازت نمی‌گیره. اتفاقی نمی‌افته. فقط باعث می‌شه خودت باشی و خودت، تنهای تنها. اصلاً تو برای چی از تنهایی می‌ترسی؟ نکنه تو هم مثل من احساس می‌کنی آدم پشت سرته و می‌خواد دستمو بذاره روی شونه‌ها؟! ولی نه! حالا دیگه فهمیدم که تنهایی ترس نداره. اون چیزهایی که تو تنهایی، تو رو می‌ترسونه، لولو و دیو و هیولا و جن نیست! خودتی، خود خودت ... تو وقتی تنها می‌شی، از خودت می‌ترسی. چون یک‌هو یاد خودت می‌افتی و تنت می‌لرزه. ولی تو بازم نترس. تنهایی یادت می‌ده بشینی و فکر کنی و درست قضاوت کنی. حداقل در مورد خودت. دور از چشم همه آدم‌ها.

می‌کن تو خوب حرف می‌زنی، خوب تجزیه و تحلیل می‌کنی، ولی نمی‌دونم می‌تونی قاضی خوبی هم باشی یا نه؟ ولی تنهایی یادت می‌ده که قاضی خوبی هم باشی!

از تنهایی نترس. گازت نمی‌گیره. فقط یادت می‌ده که چی کارکنی تا فردات بهتر باشه! یادت می‌ده که نباید فرار کنی. یادت می‌ده چه جوری وابستی و بجنگی...

یادت می‌ده بزنی تو سر خودت و بگی اشتباه کردی! از تنهایی نترس. یادت می‌ده بزنی پشت خودت و بگی آفرین خوب بود!



او یک پسر است و من یک دختر...

زهر حاجی‌پور

راضی می‌کردیم تا برامان موتوری بخرد و با آن دنیا را دور بزیم، ولی افسوس آخر او یک پسر است و من یک دختر ...

حالا که فکر می‌کنم می‌بینم که مدتی است دیگر از آن تخیلات و احساسات عجیب خبری نیست. دیگر از لباس‌های اسپرت خوشم نمی‌آید، دلم می‌خواهد دور آستین لباسم پر باشد از مرواریدهای براق نقره‌ای! تمام کشف‌هایم پاشنه‌دار و ظریف است و دیگر حاضر نیستم به کتانی‌های برادرم که بوی وحشتناکی می‌دهد، حتی نزدیک بشوم! مدتی است که دنیا برایم رنگ و رویی تازه پیدا کرده، تخیلاتی که تمام وجودم تحت سیطره‌اش بود، جایش را به واقعیاتی داده که هر لحظه‌اش برایم شیرین است. دلم می‌خواهد از دنیا همان‌طور که هست لذت ببرم و واقعیات را همان‌گونه که هست بپذیرم و واقعیت این است که من یک دخترم، با یک دنیا عواطف و احساسات شاعرانه و برادرم یک پسر است، با یک دنیا افکار و صلابت مردانه و جالب این‌جاست که همین برادر، گاهی برای درد دل کردن به سراغم می‌آید و من تمام محبت خواهرانه‌ام را نثارش می‌کنم و سنگ صبورش می‌شوم.

آری صفحه احساس‌های غیرمنطقی در کتاب زندگی من ورق خورده و جایش را به دنیای شیرین حقیقت‌ها داده است، دیگر هیچ فرقی نمی‌کند که من یک دختر باشم و برادرم یک پسر ...

اسپرت، تنها فرم لباسی بود که می‌پسندیدم و او همیشه اسپرت می‌پوشید. دلم می‌خواست از بوتیکی که او خرید می‌کند، خرید کنم و کمدم پر باشد از انواع و اقسام تی‌شرت‌های پسرانه، با نوشته‌های بزرگ انگلیسی و عکس‌های فوتبالیست‌های خارجی.

همیشه دور از چشمش کتانی‌هایش را می‌پوشیدم و با دوچرخه‌اش به زحمت چند دور خیاط را چرخ می‌زدم و با تمام وجود احساس لذت می‌کردم. گاهی نیز به سراغ دستکش‌های بوکس‌اش می‌رفتم و چند ضربه جانانه به کیسه بوکس‌اش می‌زدم. انگشت‌هایم داخل دستکش‌ها گم می‌شد و همیشه یک لنگه‌اش از دستم بیرون می‌پرید. هرچند که از صمیم قلب دوستش داشتم، گاهی روابطمأن ابری می‌شد و چنگ و دندان به هم نشان می‌دادیم، ولی همیشه من با یک یا دو مشت جانانه ناگاری می‌شدم و به مادرم پناه می‌بردم. آخر او یک پسر است و من یک دختر ... همیشه دلم می‌خواست مثل او راه بروم، مثل او حرف بزیم، مثل او لباس بپوشم، ولی او دائماً مسخره‌ام می‌کرد و می‌گفت: هی ابجی خانم، پاتو کفش بزرگ‌تر نکن، آخر عاقبت نداره!!

روزی از او پرسیدم: داداش از اینکه پسری خوشحالی؟
لیخنندی زد و زیرکانه پرسید: تو چی از اینکه دختری ناراحتی؟!
گاهی با تمام وجود آرزو می‌کردم که ای کاش پسر بودم. آن وقت شاید نه تنها دو برادر، بلکه دو رفیق شقیق می‌شدیم و با اصرار، پدر را

پنجره‌های پاک

قد



این در زمانی است که هنگام نماز خواندن نامحرم آن زن را نبیند و تنها در این صورت، اشکالی ندارد، و با توجه به مسائلی که در قسمت «احکام نگاه کردن» رساله خود آورده‌اند، به طور قطع حتی در هنگام نماز هم اگر نامحرمی آنجا باشد، زن وظیفه دارد که پای خود را بپوشاند.

در ضمن هر فردی به راحتی با تماس گرفتن با دفتر مرجع تقلید خود می‌تواند برای برطرف شدن شک و شبهه خود مسأله را جوابا شده تا به صدق مطلب مورد نظر پی ببرد.

لازم به ذکر است که جوراب نازک، پا را نمی‌پوشاند^۱ بلکه چه بسا باعث زیباتر جلوه دادن آن و نیز عاملی تحریک‌کننده باشد. حجابی که اسلام آن را لازم می‌داند، حجابی است که زیبایی‌ها و برجستگی‌های بدن زن را از دید نامحرم مخفی کند و مانند صدف، مروارید وجود زن را از آسیب‌ها محفوظ بدارد. متأسفانه بعضی از زنانی که پی به ارزش گوهر وجود خویش نبرده‌اند، نه تنها آن را از دید بیمارلان و هوسرانان پنهان نمی‌کنند، بلکه با تزئین و آرایش و جلوه‌دادن بیشتر آن، باعث جلب این‌گونه افراد به خود می‌شوند^۲ آنان نیز اگر نتوانند به راحتی به خواسته دل و هوس خود برسند با هزاران ترفند و نقشه، موجبات آزار و اذیت و بی‌ابرویی زنان و دختران بی‌گناه را فراهم می‌کنند، تا آتش شهوتی را که اکثراً بی‌حجابی و بدحجابی موجب شعله‌ور شدن آن گشته، خاموش و آرام گردانند.

پرسش‌هایی درباره مسأله حجاب

سؤال: آیا در برابر نامحرم، با پای بدون جوراب و یا جوراب نازک بودن اشکال دارد، چون با پای بدون جوراب نماز خواندن هم اشکالی ندارد؟

پاسخ: در احکام اسلامی نمی‌توان بدون دلیل، حکم شرعی یک مسأله را به مسأله دیگر تعمیم داد یا از شیوه قیاس بهره برد. همچنین به فتوای تمام علمای شیعه زن در برابر نامحرم می‌باید تمام بدن و موی خود را بپوشاند، و فقط پوشاندن صورت و دو دست (اگر بدون زینت و آرایش باشد) واجب نیست و این مطلب را در رساله‌های عملیه در باب «احکام نگاه کردن» می‌توان یافت.^۱

در اینجا ذکر شده که: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام

۱. رساله لایم ختمی ساله ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ و همچنین توضیح مطالب در کتاب حجاب در اسلام از شیخ فاضل و شری، ص ۶۸
۲. فقط بدن، شامل تمام قسمت‌های بدن می‌شود، مگر آنچه در رساله بالا دیده می‌شود برای نامحرم، اشکالی ندارد.
۳. رسول خدایی، فرمودند: دو گروه از اهل جوراجند که می‌خواهم آن‌ها را سیم اول ... دوم زنان پوشنده که پوشش آن‌ها از سر است، گویا برعهده و موهایی سرشان مانند گیوه است.

۱. نیز با براندگی مخصوص، خودنمایی کرده، به شهوات دنیا متایلند و مردان را به سوی خود میل می‌دهند این حدیث را شیخ محمد کمال‌الدین آقا‌محمدی در کتاب خود به نام «صحیح الاسامع نقل کرده و مسلم در کتاب روای خود به نام صحیح آورده، به نقل از کتاب «حجاب در اسلام» از شیخ فاضل و شری، ص ۲۸۸.
۲. به قول قرآن «فطبع اللذی فی قلبه مرض» سوره اعراف آیه ۲۲